

بررسی تحول ارزش‌های دینی در منطقه ویژه اقتصادی پارس

عبدالرسول فدایی دولت^۱، دکتر تقی آزاد ارمکی^۲، دکتر علی بقایی سرابی^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۹/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۳

چکیده:

توسعه صنعت نفت و گاز در جنوب ایران یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر بوده است. با گسترش صنعتی شدن جوامع، اشکال متفاوتی از جامعه‌پذیری شکل گرفت و ارزش‌های جدیدی در جوامع سنتی حاکم گردید. ارزش‌های دینی یکی از پایدارترین ارزش‌های فرهنگی در جوامع محسوب می‌شود و جوامع مقاومت زیادی در برابر تغییرات آن دارند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جامعه‌پذیری صنعتی بر ارزش‌های دینی در منطقه ویژه اقتصادی پارس است. رشد سریع صنعتی در منطقه منجر به تغییرات فرهنگی بین‌نسلی فراگیری شده و ارزش‌های دینی نسل‌های جدیدتر به سمت رویکردهای سکولار حرکت کرده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن در منطقه بوده است و به صورت تصادفی از بین آنها اقدام به نمونه‌گیری گردید. جهت پاسخ به سؤال پژوهش، نمونه شامل سه گروه سنی زیر ۲۵ سال، ۲۶ تا ۳۵ ساله و ۳۵ سال به بالا بود و ملاک تقسیم نمونه به این سه گروه، سپری کردن دوران کودکی و بلوغ در قبل، حین و بعد از استقرار صنایع نفت و گاز پارس جنوبی بوده است. نتایج نشان می‌دهد در بین افراد زیر ۲۵ سال که پس از استقرار و توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه به دنیا آمده‌اند، ارزش‌های دینی کمتر رایج است و باورهای سکولار بیشتری دارند. در عین حال که یافته‌های پژوهش تأییدی بر فرضیه جامعه‌پذیری اینگلهارت است، برخی تحولات در ارزش‌های نسل بزرگسال و همچنین برخی مقاومت‌ها در برابر تغییر در باورهای دینی نسل جوان‌تر نشان می‌دهد نظر به جامعه‌پذیری اینگلهارت به بازبینی و تعدیل نیاز دارد.

مفاهیم کلیدی: توسعه صنعتی، جامعه‌پذیری، ارزش‌های دینی، اینگلهارت، منطقه ویژه اقتصادی پارس

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. rasoul.fadaee@yahoo.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) tazad@ut.ac.ir

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران abaghaei@riau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه موضوعی است که در سطح کلان اجتماعی اتفاق می‌افتد. در عین حال، تفکیک مسائل اجتماعی به سطوح خرد، میانه و کلان امری تحلیلی بوده و در واقعیت جاری زندگی این سطوح درهم‌تنیدگی تام دارند. از این‌رو، اغلب اندیشمندان و پژوهشگران توسعه جنبه‌هایی از ریشه‌ها و پیامدهای توسعه و عدم توسعه‌یافتگی را در سطوح فردی و تفکرات و نگرش‌های اعضای جوامع جستجو می‌کنند و آن را زمینه‌ای مهم و حیاتی در فهم توسعه می‌دانند.

به لحاظ تاریخی، توجه به توسعه و ابعاد اجتماعی آن عموماً بر محور مدرنیزاسیون و به‌ویژه صنعتی‌شدن پیش رفته است. اینگلههارت^۱ (۲۰۱۸)، معتقد است تحول گسترده در سطح رفاه اقتصادی جوامع منجر به افزایش نوعی از امنیت اقتصادی و هستی‌شناختی شده است که به تبع آن ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های مردم نیز دچار تحول شده است. بدین معنی که نگرش‌های مبتنی بر بقا و حفظ جان جای خود را به رویکردهای مبتنی بر آزادی فردی در انتخاب سبک زندگی داده است.

مطالعات گسترده مقایسه‌ای در سطح کشورها و طی زمان حدود ۵۰ ساله نشان می‌دهد ارزش‌های حاکم بر جوامع با سطوح مختلف توسعه‌یافتگی تفاوت ماهوی باهم دارند و حرکت کشورها در مسیر توسعه یا ایستایی شرایط حاکم بر آنها بر تحولات ارزشی آنها تأثیر بارزی داشته است. به تعبیر دیگر، توسعه صنعتی ارزش‌های جوامع را تغییر داده است. نتایج پیمایش ارزش‌های جهانی نشان می‌دهد سکولار شدن یکی از پیامدهای گریزناپذیر ورود صنعت به یک منطقه بوده است و این فرایند در یک بازه نیم‌قرنی به رفتارهایی مانند باروری تأثیر قوی داشته است و امروزه دین به‌عنوان عنصری هویتی پایه در جوامع توسعه‌یافته محسوب نمی‌شود و ارزش‌های متفاوتی جایگزین دین‌ورزی شده است.

فرایند صنعتی‌شدن در ایران نسبت به زادگاه اولیه آن در اروپا با تأخیر قابل توجهی شروع شد و موانعی نیز سد راه آن گردید. اکتشاف نفت در حوزه جنوبی ایران و مزایای آن هم برای حاکمان ایران و هم سایر کشورها، نیروی انگیزاننده‌ای بود که توسعه صنعت با محوریت صنایع نفت و گاز را در مناطق جنوبی ایران تسهیل و تسریع کرد. با پایان جنگ هشت ساله و ورود ایران به دوران تازه‌ای از حیات سیاسی، توجه به توسعه صنایع نفت و

^۱ Inglehart

گاز و پتروشیمی در حاشیه خلیج فارس اولویت یافت و در زمانی کوتاه حجم و سطح گسترده‌ای از صنعت در این مناطق مستقر گردید.

منطقه پارس جنوبی با چشم‌انداز تحقق بزرگ‌ترین مجموعه صنعتی کشور در سال ۱۳۷۷ پا به عرصه رشد گذاشت و روستای کوچک عسلویه به سرعت در قامت یک شهر شناخته‌شده در ذهن بسیاری از ایرانیان در آمد. سرعت در استقرار و گسترش و درگیر کردن ذینفعان متعدد در پارس جنوبی ناگزیر بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز اثرگذار بوده و همچنان که اینگلهارت نیز اشاره داشته است، این تأثیرات به لایه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان نفوذ کرده و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سبک زندگی شهروندان به وجود آورده است.

سؤال اصلی که از کنار هم گذاشتن این مقدمات طرح می‌شود، این است که آیا این منطقه نیز همچون اغلب جوامعی که با مظاهر صنعت مواجه شده‌اند، از لحاظ دین‌ورزی دچار تحول شده است یا ارزش‌های پیشین و سنتی همچنان بر نگرش‌های ساکنان این منطقه حاکم است؟

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگران با توجه به اهمیت توسعه صنعت در زندگی بشری، پیامدهای آن را بر تغییر ارزش‌های دینی بررسی کرده‌اند.

الف) تحقیقات داخلی

پورعلی، طبیبی و رضایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به تأثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر تحولات فرهنگی منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی و پالایشگاه نفت آبادان پرداخته‌اند. نتایج نهایی پژوهش حاضر بیانگر این است که اعتقادات و باورهای مذهبی مردم منطقه تضعیف شده و ارزش‌های مدرن جایگزین ارزش‌های سنتی در حوزه اعتقادات مذهبی، فرهنگ خانوادگی، الگوی ازدواج و ... شده است.

رفعت‌جاه و شمسایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی دگرگونی ارزش‌های دینی و انقلابی در بین دو نسل از خانواده‌های مذهبی ساکن در خیابان ایران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش، نمایانگر وجود تفاوت‌های نسلی در نوع دینداری افراد مورد مطالعه است. در زمینه تغییر وضعیت دینداری، یافته‌ها نشان می‌دهد بعد مناسکی، بیش از سایر ابعاد دستخوش تغییر بوده است. با در نظر گرفتن سه بعد اعتقادی، مناسکی و پیامدی مشخص شد میزان

دینداری افراد نسل اول بیشتر از افراد نسل دوم بوده است. به علاوه تفاوت بین نسل اولی‌ها و نسل دومی‌ها برحسب جنس نیز متغیر و در زنان بیشتر از مردان است. احمدرش و توحیدیان (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی اثرگذاری عناصر مدرن بر ارزش‌های مذهبی در جامعه روستایی موکریان در جنوب استان آذربایجان غربی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، تغییرات ارزشی و هنجاری گسترده‌ای در زیست‌جهان افراد صورت گرفته است؛ به طوری که تمایلات «دنیاگرایانه» و «زندگی ناسوتی» در حال گسترش است. در عین حال، با وجود کاهش تمایلات دین‌مدارانه، سبک دین‌ورزی سازمان‌یافته و سیاسی در این جوامع در حال گسترش است که قبلاً در این سطح حضور نداشت.

ب) تحقیقات خارجی

مطالعات طولی ماسون و لو (۱۹۸۸)، نشان می‌دهد تغییرات ارزشی علاوه بر تفاوت در کشورهای مختلف از لحاظ توسعه‌یافتگی، روندی تاریخی نیز دارد. فاستر (۱۹۷۳)، در بررسی شواهدی از امریکای لاتین و افریقا نتیجه گرفته است اشتغال در کارخانه‌ها رفتارها و توقعات سنتی را تغییر داده است.

مطالعات بکر و همکاران (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد هم‌زمان با توسعه آلمان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مراجعه شهروندان به کلیسا و اجرای مناسک مذهبی کاهش یافته است.

مطالعه طولی اوانز و نورثمور - بال (۲۰۱۲)، در جامعه پساکمونیستی روسیه نشان می‌دهد پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اقبال به مذهب ارتدکس بیشتر شده است و نتایج حاکی از افزایش حضور در کلیسا، و ارتباط قوی فزاینده بین دینداری و اخلاق محافظه‌کارانه در این دوره زمانی است. علاوه بر این، نشانه‌های احیای دینی در میان گروهی از افرادی که پس از پایان کمونیسم به بلوغ رسیده‌اند، آشکارتر است. تجدید حیات ارتدکس در روسیه استثنای قوی برای روندهای سکولاریزاسیون در اروپای غربی ایجاد می‌کند.

نتایج مطالعات واس و چاوز (۲۰۱۸)، نشان می‌دهد بخش شدیداً مذهبی جمعیت آمریکا در حال کوچک شدن است و سکولاریزاسیون تمامی ابعاد جامعه آمریکا را در نوردیده است. در واقع، اغلب مطالعات تجربی در حیطه سکولاریزاسیون نشان می‌دهد سطوح دینداری افراد در جوامع گوناگون متأثر از سطوح رشد اقتصادی است و در جوامع

صنعتی و توسعه‌یافته‌تر ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر شده‌اند (Halman, and Draulans, 2006, Pollack, 2016, Schnabel and Bock, 2017; Wilkins-Laflamme, 2016; Norris and Inglehart, 2004; Strulik, 2016; Inglehart, 2018; Hekmatpour, 2020).

مجموعه مطالعات فوق نشان می‌دهد تعامل تنگاتنگی بین روند و سطح توسعه‌یافتگی و صنعتی‌شدن با ارزش‌های دینی حاکم در جامعه وجود دارد. در واقع، گسترش صنعت در دو سده اخیر شرایط زندگی را متحول ساخته و نیازها و خواسته‌های افراد را تغییر داده است. به طوری که تحولات صنعتی تاثیر عمیقی بر شیوه و سطوح دینداری افراد در یک جامعه داشته است.

چارچوب نظری پژوهش

مفهوم جامعه‌پذیری از مفاهیم کلیدی در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی است که مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی قرار گرفته است. هر کدام از این افراد تعریف متفاوتی از این مفهوم ارائه داشته‌اند، ولی نهادینه‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و سایر عناصر اجتماعی موجود در جامعه یا محیط پیرامون خود در شخصیت افراد در این تعاریف مشترک است (Richards & et. al, 2014; Weidman & et. al, 2017; Giddens, 2020; Alaqehband, 2020; Cohen, 2019; Sedaqatifard, 2020; Ahadi & et. al, 2019).

اکثر این افراد معتقدند جامعه‌پذیری فرایندی مادام‌العمر است و فرد در تمامی دوران زندگی خود در معرض پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه‌ی خود قرار دارد. در عین حال، مهم‌ترین جنبه‌های جامعه‌پذیری در مرحله اولیه آن شکل می‌گیرد که مربوط به دوران کودکی و بلوغ است.

اینگلهارت یکی از متفکرانی است که جامعه‌پذیری را متمرکز بر دوران کودکی و نوجوانی می‌داند و معتقد است ارزش‌های حاکم بر دوران تربیتی فرد، مهم‌ترین عامل جهت‌دهنده در اولویت‌های ارزشی وی محسوب می‌شود. وی معتقد است ارزش‌های اساسی فرد منعکس‌کننده شرایط حاکم بر دوران کودکی و نوجوانی او هستند. بر اساس فرضیه جامعه‌پذیری اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی افراد با رسیدن به بزرگسالی تقریباً ثابت باقی می‌مانند و تغییرات اندکی در آنها رخ می‌دهد. پس انتظار می‌رود در جوامعی که شاهد افزایش سطوح توسعه اقتصادی بوده‌اند، تفاوت‌های عمده‌ای میان ارزش‌های جوانان و بزرگسالان مشاهده شود (Inglehart, 2020: 17-25).

ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ابعاد و جنبه‌های زیادی دارند و می‌توان نشانه‌های تغییر در ارزش‌ها را در الگوهای رفتاری و مواضع گوناگونی ردیابی کرد. با توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حاکم بر جامعه ایران، ارزش‌های دینی از جمله مهم‌ترین و بارزترین ارزش‌هایی هستند که بخشی اساسی از هویت فرهنگی و ارزشی شهروندان ایرانی را شکل می‌دهند.

در عین حال، تبلور این ارزش‌ها در کلیه ابعاد زندگی، تغییرپذیری آنها را بیشتر کرده و تنوع الگوهای دین‌ورزی مبتنی بر شرایط غالب را به وجود آورده است. مطالعات متعدد در حوزه سکولاریزاسیون حاکی از تأثیر مدرنیزاسیون به ویژه از لحاظ رشد اقتصادی و صنعتی در کاهش سطوح دین‌ورزی است (*Gorski, 2000; Norris and Inglehart, 2004; Stark, 1999; Inglehart, 2018*).

بر این اساس، در این پژوهش فرض بر این است که ارزش‌های دینی که در دوران پیش از استقرار صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه پارس جنوبی حاکم بوده است، با استقرار و توسعه این صنایع در منطقه پارس جنوبی دچار تحول شده است و شهروندان پرورش‌یافته در دوران پس از صنعتی‌شدن منطقه، با ارزش‌های متفاوتی به جهان می‌نگرند و از هنجارهای متفاوتی تبعیت می‌کنند.

پژوهشگران با توجه به اهمیت توسعه صنعت در زندگی بشری، پیامدهای آن را بر تغییر ارزش‌های دینی بررسی کرده‌اند. مطالعات طولی ماسون و لو (۱۹۸۸)، نشان می‌دهد تغییرات ارزشی علاوه بر تفاوت در کشورهای مختلف از لحاظ توسعه‌یافتگی، روندی تاریخی نیز دارد. فاستر (۱۹۷۳)، در بررسی شواهدی از امریکای لاتین و افریقا نتیجه گرفته است اشتغال در کارخانه‌ها رفتارها و توقعات سنتی را تغییر داده است.

هم‌راستا با یافته‌های فاستر (۱۹۷۳)، مطالعه پارسایی و کیایی (۱۳۹۵) و امینی‌نژاد (۱۳۹۴)، حاکی از تغییر الگوهای ارتباطی زنان و مردان است و در نتیجه‌ی فرایند صنعتی‌شدن در قطب صنعتی پارس جنوبی، الگوهای روابط دو جنس و ازدواج متحول شده است.

مطالعات تجربی در حیطه سکولاریزاسیون نشان می‌دهد سطوح دینداری افراد در جوامع گوناگون متأثر از سطوح رشد اقتصادی است و در جوامع صنعتی و توسعه‌یافته‌تر ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر شده‌اند (*Becker, Nagler and Woessmann, 2017; Evans and Northmore-Ball, 2012; Halman, and Draulans, 2006, Pollack, 2016, Schnabel and Bock, 2017, Voas and Chaves, 2016, 2018;*).

Wilkins-Lafamme, 2016; Norris and Inglehart, 2004; Strulik, 2016; Inglehart, 2018; Hekmatpour, 2020.

مجموعه مطالعات فوق نشان می‌دهد تعامل تنگاتنگی بین روند و سطح توسعه‌یافتگی و صنعتی‌شدن با ارزش‌های دینی حاکم در جامعه وجود دارد. در واقع، گسترش صنعت در دو سده اخیر شرایط زندگی را متحول ساخته و نیازها و خواسته‌های افراد را تغییر داده است. به‌طوری که تحولات صنعتی تأثیر عمیقی بر شیوه و سطوح دینداری افراد در یک جامعه داشته است.

مبتنی بر این مطالعات و همچنین با اتکا به نظریه جامعه‌پذیری در این پژوهش فرض بر این است که ارزش‌های دینی که در دوران پیش از استقرار صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه پارس جنوبی حاکم بوده است، با استقرار و توسعه این صنایع در منطقه پارس جنوبی دچار تحول شده است و شهروندان پرورش‌یافته در دوران پس از صنعتی‌شدن منطقه، با ارزش‌های متفاوتی به جهان می‌نگرند و از هنجارهای متفاوتی تبعیت می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمی انجام گرفته است. جامعه آماری هدف این پژوهش شامل کلیه ساکنان ۱۸ تا ۶۵ ساله شهرستان‌های جم، عسلویه و دیر است که در منطقه ویژه اقتصادی پارس قرار دارد. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۹۳ نفر تعیین گردید و بر اساس سه شاخص نسبت جمعیت هر شهرستان، نسبت جنسی و نسبت سنی در هر شهرستان، توزیع نسبت نمونه مشخص گردید و به صورت تصادفی اقدام به نمونه‌گیری گردید.

داده‌ها از طریق پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. گویه‌ها از پرسشنامه استاندارد پیمایش ارزش‌های جهانی گرت‌برداری شده‌اند. این سؤالات در چندین موج پیمایشی در نقاط مختلف جهان از جمله ایران سنجیده شده‌اند و اعتبار و روایی قابل قبولی دارند. در جدول ۱ شاخص‌های روایی و پایایی برای سازه ارزش‌های دینی محاسبه شده و نتایج آماری نیز مؤید نیکویی برازش ابزار پژوهش است.

جدول ۱: شاخص‌های روایی و پایایی

Sig.	KMO	آلفا	سازه
۰/۰۰۰	۰/۷۸۸	۰/۷۶۴	ارزش‌های دینی

با توجه به فرض بنیادی این پژوهش از لحاظ نقش جامعه‌پذیری اولیه‌ی افراد و تأثیرپذیری ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آنها از فضای صنعتی، در این پژوهش به مقایسه ارزش‌های دینی در نسل‌های متفاوت پرداخته می‌شود که مواجهه‌ی متفاوتی با مظاهر صنعت در منطقه پارس جنوبی داشته‌اند.

بررسی تأثیر صنعت در تحولات ارزشی، با سه رویکرد مختلف صورت می‌گیرد: ۱- تحلیل نسلی؛ ۲- مقایسه کشورهای فقیر و ثروتمند و ۳- بررسی روندهای قابل مشاهده طی چند دهه (Anglehart, 2018: 25).

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل گروه‌های نسلی بهره گرفته شده است. با توجه به شروع گسترده فعالیت‌های صنعتی از سال ۱۳۷۵ در منطقه و به دنبال آن تأسیس رسمی سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس در سال ۱۳۷۷ بر اساس سطح مواجهه با این شرایط، جامعه هدف در سه گروه نسلی کلی شامل کسانی که کل دوران بلوغ خود را پس از آغاز فعالیت‌های صنعتی در منطقه سپری کرده‌اند (۲۵ ساله و پایین‌تر)؛ ۲- کسانی که بخشی از دوران بلوغ خود را قبل و بخشی را بعد از آغاز فعالیت‌های صنعتی در منطقه سپری کرده‌اند (۲۶ تا ۳۵ ساله) و ۳- کسانی که کل دوران بلوغ خود را پیش از آغاز فعالیت‌های صنعتی در منطقه سپری کرده‌اند (بالتر از ۳۵ سال). در نتیجه برای سنجش تفاوت این سه گروه از لحاظ متغیر وابسته پژوهش، از آزمون آماری تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد ساکنان شهری، مردان، ساکنان کنگان و افراد متأهل نسبت بالاتری در نمونه دارند که در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: نتایج توصیفی ویژگی جمعیت‌شناختی

گروه نسلی			متغیر	
بالاتر از ۳۵ سال	۲۶-۳۵ ساله	۲۵ سال و پایین‌تر		
۶۷.۶	۶۳.۹	۴۸.۶	مرد	جنسیت
			زن	
۳۲.۴	۳۶.۱	۵۱.۴	شهر	محل سکونت
			روستا	
۶۴.۷	۶۳.۹	۶۲.۵	مجرد	وضعیت تأهل
			متأهل	
۳۷.۵	۳۶.۱	۳۵.۳	کنگان	شهرستان
			دیر	
۷.۴	۲۶.۱	۷۸.۳	عسلویه	
۹۲.۶	۷۳.۹	۲۱.۷		
۴۱.۲	۴۷.۱	۴۸.۶		
۲۵.۷	۱۷.۶	۲۲.۵		
۳۳.۱	۳۵.۳	۲۹		

اولویت باورهای دینی بر یافته‌های علوم تجربی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد اغلب افراد در هر سه گروه نسلی باورهای دینی را بر یافته‌های علوم تجربی ترجیح می‌دهند. با این حال، همچنان که در جدول مشخص است نسبت افرادی که چنین اولویتی را به باورهای دینی قایل نیستند در افراد کمتر از ۲۵ سال بیشتر است و در مقابل نسبت افراد موافق با این موضوع در افراد بالاتر از ۳۵ سال بیشتر است.

جدول ۳: توزیع موافقت با اولویت باورهای دینی بر یافته‌های علوم تجربی به تفکیک گروه نسلی

گروه نسلی	مخالف	نه مخالف، نه موافق	موافق	خیلی موافق
کمتر از ۲۵	۸.۷	۸	۱۸.۸	۶۴.۵
۲۶-۳۵	۵.۹	۱۱.۸	۲۱.۸	۶۰.۵
بالاتر از ۳۵	۳.۷	۳.۷	۱۵.۴	۷۷.۲
کل	۶.۱	۷.۶	۱۸.۶	۶۷.۷
مجذور کای = ۱۲.۶				
معنی‌داری = ۰.۰۴۹				

اهمیت اعتقاد به خدا در زندگی

با وجود اینکه در همه گروه‌های نسلی نسبت قابل توجهی معتقدند اعتقاد به خدا اهمیت زیادی در زندگی آنها دارد، ولی مقایسه آرا در جدول ۴ نشان می‌دهد میزان اهمیت

اعتقاد به خدا در گروه‌های نسلی مختلف تفاوت دارد و نسبت بالاتری از افرادی که در فضای صنعتی جامعه‌پذیر شده‌اند، اهمیت پایین‌تری به جایگاه اعتقاد به خدا در زندگی قایل هستند.

جدول ۴: توزیع موافقت با اهمیت اعتقاد به خدا در زندگی به تفکیک گروه نسلی

گروه نسلی	خیلی مخالف	مخالف	نه مخالف، نه موافق	موافق	خیلی موافق
کمتر از ۲۵	۵.۸	۰.۸	۷.۲	۱۹.۶	۶۶.۷
۲۶-۳۵	۱.۷	۱.۷	۵.۹	۱۶	۷۴.۸
بالاتر از ۳۵	۱.۵	۲.۲	۰.۷	۱۳.۲	۸۲.۴
کل	۳.۱	۱.۵	۴.۶	۱۶.۳	۷۴.۶
مجذور کای = ۱۷.۲					
معنی‌داری = ۰.۰۲۸					

برتری انحصاری دین افراد

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد موافقت با جایگاه دین اسلام به‌عنوان تنها دین قابل قبول در هر سه گروه نسلی قابل توجه است. در گروه‌های زیر ۲۵ سال و ۲۶ تا ۳۵ ساله، بیش از نیمی از پاسخگویان و در گروه نسلی بالای ۳۵ سال، حدود دو سوم از آنها، ابراز داشته‌اند که برای دین دیگری اعتبار قایل نیستند. تفاوت درصد موافقت حاکی از آن است که این نسبت در بین افراد جوان‌تر کمتر شده است، بدین معنی که افراد هر چقدر کمتر در فضای صنعتی جامعه‌پذیر شده باشند، میزان موافقت با رویکرد انحصاری به دین در بین آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۵: توزیع نظر افراد درباره گزاره «دین من تنها دین قابل قبول است» به تفکیک گروه نسلی

گروه نسلی	مخالف	نه مخالف، نه موافق	موافق	خیلی موافق
کمتر از ۲۵	۱۶.۷	۳۰.۴	۲۶.۸	۲۶.۱
۲۶-۳۵	۱۶	۲۸.۶	۲۶.۹	۲۸.۶
بالاتر از ۳۵	۹.۶	۲۳.۵	۲۰.۶	۴۶.۳
کل	۱۴	۲۷.۵	۲۴.۷	۳۳.۸
مجذور کای = ۱۵.۳				
معنی‌داری = ۰.۰۱۸				

تقید به دعا خواندن و ادای نماز

تقید به اجرای مناسک مذهبی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های سطح دینداری اجتماعی محسوب می‌شود و فرض بر این است که تربیت در فضای صنعتی و مظاهر نوسازی بر میزان این تقید تاثیر منفی دارد. نتایج جدول ۶ مؤید این فرض است. بر اساس این نتایج، نسبت افرادی که ابراز داشته‌اند کاملاً به دعا خواندن و ادای نماز مقید هستند، در گروه نسلی کمتر از ۲۵ سال پایین‌تر از سایر گروه‌های نسلی است و بالعکس، نسبت افرادی که بیان داشته‌اند تقیدی به خواندن دعا و نماز ندارند، بالاتر از سایر گروه‌ها است.

جدول ۶: توزیع میزان تقید به دعا خواندن و ادای نماز در زندگی به تفکیک گروه نسلی

گروه نسلی	خیلی مخالف	مخالف	نه مخالف، نه موافق	موافق	خیلی موافق
کمتر از ۲۵	۱۳.۸	۴.۳	۲.۹	۲۳.۹	۵۵.۱
۲۶-۳۵	۶.۷	۳.۴	۱.۷	۲۸.۶	۵۹.۷
بالاتر از ۳۵	۶.۶	۰.۷	۰.۷	۱۰.۳	۸۱.۶
کل	۹.۲	۲.۸	۱.۸	۲۰.۶	۶۵.۶
مجدور کای = ۲۹.۸					
معنی‌داری = ۰.۰۰۰					

جدول ۷ نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به مقایسه میانگین توجه به ارزش‌های دینی در بین گروه‌های نسلی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، میانگین توجه به ارزش‌های دینی با افزایش سن افزایش یافته است، به طوری که گروه نسلی ۲۵ ساله و پایین‌تر دارای کمترین میانگین و افراد بالاتر از ۳۵ سال دارای بالاترین میانگین توجه به ارزش‌های دینی هستند. نتایج معنی‌داری نشان می‌دهد تفاوت میانگین توجه به ارزش‌های دینی با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت جامعه‌پذیری در فضای صنعتی و غیر صنعتی با سطح ارزش‌های دینی افراد رابطه معنی‌داری دارد.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین ارزش‌های دینی بر حسب گروه نسلی

گروه نسلی	تعداد	میانگین	مقدار F	معنی‌داری
۲۵ سال و پایین‌تر	۱۳۸	۱۲.۴۴	۸.۲	۰.۰۰۰
۲۶-۳۵ ساله	۱۱۹	۱۲.۹۷		
۳۶ سال و بالاتر	۱۳۶	۱۴.۰۲		

با توجه به معنی‌داری میانگین‌ها، جهت کسب اطلاعات تکمیلی از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است (جدول ۸). مقایسه تعقیبی با استفاده از آزمون توکی حاکی از آن است که میانگین توجه به ارزش‌های دینی در گروه نسلی بالای ۳۵ سال تفاوت معنی‌داری با دو گروه دیگر دارد. تفاوت میانگین توجه به ارزش‌های دینی در دو گروه ۲۵ ساله و پایین‌تر با افراد ۲۶ تا ۳۵ ساله نشان می‌دهد این تفاوت معنی‌دار نیست. نتایج گروه‌بندی زیرگروه‌های نسلی بر اساس همگنی نیز نشان می‌دهد دو گروه نسلی ۲۵ ساله و پایین‌تر به همراه افراد ۲۶ تا ۳۵ ساله در یک زیرگروه مشترک قرار گرفته و گروه نسلی بالاتر از ۳۵ سال نیز در یک زیرگروه مجزا طبقه‌بندی گردید. درواقع این نتایج گواهی بر نقش جامعه‌پذیری فضای صنعتی و غیر صنعتی بر تحول ارزش‌های دینی است، بدین معنی که مواجهه محدود با پیامدهای گسترش صنعت در دوران بلوغ تأثیر خود را در تحول ارزش‌های دینی بر جای می‌گذارد.

جدول ۸: آزمون تعقیبی توکی جهت کسب اطلاعات تکمیلی

زیرگروه برای آلفای ۰.۰۵		معنی‌داری	تفاوت میانگین	گروه سنی (۲)	گروه سنی (۱)
۲	۱				
۲۵ سال و پایین‌تر	۲۵ سال و	۰.۴۰۹	-۰.۵۲	۲۶-۳۵ ساله	۲۵ سال و پایین‌تر
	پایین‌تر	۰.۰۰۰	-۱.۵۸	بالاتر از ۳۵ سال	
۲۶-۳۵ ساله	۲۶-۳۵ ساله	۰.۴۰۹	۰.۵۲	۲۵ سال و پایین‌تر	۲۶-۳۵ ساله
		۰.۰۲۹	-۱.۰۶	بالاتر از ۳۵ سال	
بالاتر از ۳۵ سال	بالاتر از ۳۵ سال	۰.۰۰۰	۱.۵۸	۲۵ سال و پایین‌تر	بالاتر از ۳۵ سال
		۰.۰۲۹	۱.۰۶	۲۶-۳۵ ساله	

نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال بررسی نقش توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در تغییرات ارزش‌های دینی ساکنان منطقه پارس جنوبی بوده است. نظریات و تعریف‌های مختلف از جامعه‌پذیری و همچنین مطالعات گسترده اینگلهارت در حوزه تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون و صنعتی‌شدن، پایه‌ی نظری و روش‌شناختی این پژوهش را شکل داده است. به زعم اینگلهارت، جامعه‌پذیری اولیه در یک جامعه پیشاصنعتی و صنعتی، ارزش‌های متفاوتی را در افراد شکل می‌دهد. اینگلهارت با طرح فرضیه جامعه‌پذیری، معتقد است ساختار شخصیتی و ارزش‌های اصلی بشر پیش از رسیدن به بزرگسالی قوام گرفته و ثابت می‌شود و تحولات دوران بزرگسالی تأثیر اندکی در تغییر آن

دارد. به زعم وی، انتظار می‌رود رشد صنعتی در یک جامعه، سطوح احساس امنیت را در آن ارتقا داده و در نتیجه، تفاوت‌های بارزی بین ارزش‌های جوانان و بزرگسالان آن جامعه به وجود آید. در واقع این تغییرات ارزشی در نسل‌های جوان‌تر ناشی از جامعه‌پذیری و پرورش در جامعه بوده و به تفاوت‌های گسترده در این نسل‌ها منجر می‌شود. با استناد به فرضیه جامعه‌پذیری در نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت، چارچوب نظری پژوهش تدوین شده و مهم‌ترین زمینه بررسی تأثیرات فرهنگی توسعه صنعتی در مقوله تحولات نسلی بنیان گذاشته شد. از طرف دیگر، با انتخاب سه گروه نسلی مجزا بر اساس میزان مواجهه با شرایط توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه - پیش، حین و پس - تلاش گردید تحولات ارزش‌های دینی این سه گروه مورد واکاوی و مقایسه قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اغلب افراد فارغ از گروه نسلی، معتقدند باورهای دینی بر یافته‌های علوم تجربی در زندگی آنها ارجحیت دارند. در عین حال، بررسی دقیق‌تر در گروه‌های نسلی نشان داد نسبت موافقت با برتری باورهای دینی، در افراد جوان‌تر کمتر از گروه‌های نسلی بزرگسال است و تعداد بیشتری از افراد جوان با ارجحیت باورهای دینی بر یافته‌های علوم تجربی مخالف هستند. تفاوت توجه به ارزش‌های دینی بین نسل‌های جوان و بزرگسال در مؤلفه‌های مختلف بروز یافته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نسبت بالاتری از افرادی که در فضای صنعتی جامعه‌پذیر شده‌اند، اهمیت پایین‌تری به اعتقاد به خدا در زندگی قائل‌اند. در واقع هرچه فرد نسبت بیشتری از عمر خود را در فضای صنعتی سپری نموده، احتمال بیشتری دارد که اعتقاد به خدا در زندگی وی کم‌رنگ‌تر باشد. در حالی که دو سوم از افراد بالای ۳۵ سال دین خود را تنها دین قابل قبول می‌دانستند، این نسبت در گروه‌های نسلی جوان‌تر که در فضای صنعتی رشد کرده‌اند، پایین‌تر است و رویکرد انحصاری به دین در بین آنها کمتر است. تقید به ادای مناسک مذهبی (دعا و نماز) مؤلفه‌ای اساسی در سنجش دینداری محسوب می‌شود و نتایج نشان می‌دهد تربیت در فضای صنعتی بر کاهش این تقید تأثیر بارزی داشته است. به طوری که افرادی که تمام یا بخشی از دوران بلوغ خود را در دوران توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه سپری کرده‌اند، به طور محسوس تقید کمتری به دعا خواندن و ادای نماز دارند. میانگین ارزش‌های دینی نشان می‌دهد افرادی که قبل از استقرار صنایع نفت و گاز بالغ و اجتماعی شده‌اند، در مقایسه با افرادی که تمام یا بخشی از دوران جامعه‌پذیری اولیه خود را در دوران استقرار و توسعه صنایع نفت و گاز سپری کرده‌اند، تفاوت معنی‌داری از لحاظ دینداری دارند. مقدار میانگین‌ها نشان می‌دهد ارزش‌های دینی در نسل جوان‌تر نیز نسبت به افراد بزرگسال کم‌رنگ‌تر شده است که از تأثیر جامعه‌پذیری صنعتی بر بروز رویکردهای سکولار حکایت دارد. این یافته نیز با یافته‌های پژوهش بکر، نگلر و واسمن، ۲۰۱۷؛ ایوانز و نورتموربال،

۲۰۱۲؛ هالمان و درالانس، ۲۰۰۶؛ یولاک، ۲۰۱۶؛ اشنابل و بوک، ۲۰۱۷؛ واس و چاوز، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸؛ ویلکینز و لافللام، ۲۰۱۶، نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴؛ استرولیک، ۲۰۱۶؛ اینگلهارت، ۲۰۱۸ و حکمت‌پور، ۲۰۲۰ هم‌راستا است. به نظر می‌رسد با وجود قدرت تبیینی قابل ملاحظه‌ای که نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت دارد و تحولات ارزش‌های دینی ناشی از توسعه صنایع نفت و گاز را در منطقه توضیح می‌دهد، ولی نتایج پژوهش نشان می‌دهند این نظریه نتوانسته ابعاد و سرعت تحولات را به صورت کامل تبیین کند و جهت دستیابی به تبیینی معتبر نیاز است به تعدیل و تکمیل این نظریه پرداخته شود. در واقع یافته‌های پژوهش لزوماً با پیش‌فرض‌های تئوریک و ایده‌های اینگلهارت هم‌خوانی نداشتند. نتایج پژوهش آزاد ارمکی (۱۳۹۷)، نیز مؤید یافته‌های این پژوهش است و می‌توان گفت تغییرات و مقاومت‌های در برابر تغییر ارزش‌های دینی لزوماً در چنبره‌ی گروه‌های نسلی محدود نیست و سایر مؤلفه‌های مؤثر نیز نقشی کلیدی در این تحولات دارند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دوران بلوغ و جامعه‌پذیری اولیه اغلب درون خانواده سپری می‌شود، تأثیرپذیری از فضای صنعتی به صورت مستقیم در نسل جوان‌تر مشاهده نشود و عموماً پس از مواجهه با فیلترهای فرهنگی اعضای خانواده که از نسل‌های پیشین‌تر بوده‌اند، ساختار ارزش‌های متأثر از فضای صنعتی دچار تحول شده و نوجوانان و جوانان آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد، ارزش‌های سکولار یا فردگرایانه را ترجیح ندهند. در واقع والدینی که خود در فضای پیشاصنعتی جامعه‌پذیر شده‌اند، در تربیت کودکان خود نیز آن ارزش‌ها را دخالت می‌دهند و فرصت مواجهه با ارزش‌های مدرن برای افراد در دوران جامعه‌پذیری اولیه‌شان کمتر شده است. از طرف دیگر با توجه به مخالفت بخشی از گروه‌های نسلی بزرگسال با ارزش‌های دینی رایج، می‌توان گفت ارزش‌های مدرن از مسیری فراتر از گروه‌های نسلی وارد شده و به تعبیر دیگر نشانک‌های تغییر ارزش‌های دینی در این نسل نیز بروز کرده است. رصد این تغییرات و مسیریابی که ایجاد شده است مستلزم واکاوی‌های دقیق‌تری است که با مطالعات مقایسه‌ای با سایر مناطقی که با نوع متفاوتی از تحولات صنعتی مواجه بوده‌اند (مانند معادن، ذوب آهن و ...) می‌تواند در تدقیق یافته‌های این پژوهش و تطبیق نظریه اینگلهارت یاری‌رسان باشد. توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که سرعت تحولات فناوری اطلاعات و دسترسی گسترده به ابزارها و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی نیز فرایند جامعه‌پذیری را متحول ساخته و در تحلیل تغییرات امروزی عدم لحاظ این متغیر به‌عنوان یک محدودیت قابل توجه باید مد نظر قرار گیرد. از این‌رو، در کنار توجه به تغییرات صنعتی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به تعامل متقابل توسعه صنعتی و فناوری‌های ارتباطی در تغییرات ارزشی بپردازند.

References:

- Ahadi, B., Seyyed Ameri, M.H., & Rasoolazar, G. (2016). "Vision of Organizational Sociability Components based on Servant Leadership Traits (Case Study; Youth and Sports Department of West Azarbaijan Province)", *Journal of Applied research in sport management*, 8 (1), 33-42. (Persian).
- Alaqehbqnd, A. (2020). *Sociology of education*. Tehran: Ravan Press.
- Amininejad, G. (2015). "An analysis of socio- economic and cultural effects of southern pars projects & installataions on the villages in Busheher Province", *Spatial Planning*, 5(1), 101-122. (Persian).
- Amuchástegui, A., Cruz, G., Aldaz, E., & Mejía, M. C. (2010). "Politics, Religion and Gender Equality in Contemporary Mexico: women's sexuality and reproductive rights in a contested secular state", *Third World Quarterly*, 31(6): 989-1005, DOI:10.1080/01436597.2010.502733
- Becker, S. O., Nagler, M. and Woessmann, L. (2017). "Education and Religious Participation: City-Level Evidence from Germany's Secularization Period 1890–1930", *Journal of Economic Growth*, 22 (3): 273–311. Doi: 10.1007/s10887-017-9142-2.
- Cohen, B. (2019). *Sociology*. Tehran: Samt. (Persian).
- Evans, G. and Northmore-Ball, K. (2012). "The Limits of Secularization? The Resurgence of Orthodoxy in Post-Soviet Russia", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 51(4):795–808. Doi: 10.1111/j.1468-5906.2012.01684.x.
- Foster, G. M. (1973). *Traditional societies and technological change*. HarperCollins Publishers.
- Giddens, A. (2020). *Sociology*. Tehran: Ney. (Persian).
- Gorski, P. S. (2000). "Historicizing the Secularization Debate: Church, State, and Society in Late Medieval and Early Modern Europe, ca. 1300 to 1700", *American Sociological Review* 65(1):138–67, Doi: 10.2307/2657295.

Halman, L. and Draulans, V. (2006). "How Secular is Europe?", *The British Journal of Sociology*, 57(2):263–88. Doi: 10.1111/j.1468-4446.2006.00109.x.

Hekmatpour, P. (2020). "Inequality and Religiosity in a Global Context: Different Secularization Paths for Developed and Developing Nations", *International Journal of Sociology and Social Policy*, DOI:10.1080/00207659.2020.1771013.

Inglehart, R. F. (2018). *Cultural Evolution: People's Motivations are Changing, and Reshaping the World*. New York: Cambridge University Press.

Kosakowska-Berezecka, N., Besta, T., Adamska, K., Jaoekiewicz, M., Jurek, P., & Vandello, J. A. (2016). "If my masculinity is threatened I won't support gender equality? The role of agentic self-stereotyping in restoration of manhood and perception of gender relations", *Psychology of Men & Masculinity*, 17: 274–284. DOI:10.1037/men0000016.

Norris, P., and Inglehart, R. (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. New York: Cambridge University Press.

Parsi, H., Kiaei, H. (2016). "The Impact of Industrial Development on Asalouyeh Residents, Social Status and the Role of Media in Community Participation", *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(2), 233-253. Doi: 10.22059/jisr.2016.59241. (Persian).

Pollack, D. (2016). "Religious Pluralism: Undermining or Reinforcing Religiosity?", *Society*. 53(2):131–6. Doi: 10.1007/s12115-016-9988-5.

Richards, K.A.R., Templin, T.J. & Graber, K. (2014). "The socialization of teachers in physical education: Review and recommendations for future works", *Kinesiology Review*, 3(2): 113–134. DOI:10.1123/kr.2013-0006.

Schnabel, L. and Bock, S. (2017). "The Persistent and Exceptional Intensity of American Religion: A Response to Recent Research", *Sociological Science*, 4:686–700. doi: 10.15195/v4.a28.

Sedaqatifard, M. (2020). *Sociology*. Tehren: Arasbaran Press.

Stark, R. (1999). "Secularization, R.I.P", *Sociology of Religion*, 60(3):249–73. Doi: 10.2307/3711936.

Strulik, H. (2016). "Secularization and Long-Run Economic Growth", *Economic Inquiry*, 54(1):177–200. Doi: 10.1111/ecin.12242.

Voas, D. and Chaves, M. (2016). "Is the United States a Counterexample to the Secularization Thesis?", *American Journal of Sociology*, 121(5):1517–56. Doi: 10.1086/684202.

Voas, D. and Chaves, M. (2018). "Even Intense Religiosity is Declining in the United States", *Sociological Science*, 5:694–710. Doi: 10.15195/v5.a29.

Weidman, J. C., DeAngelo, L., and Bethea, K. A. (2014). "Understanding Student Identity from a Socialization Perspective", *New Direction for Higher Education*, 166:43–51. DOI:10.1002/he.20094.

Wilkins-Laflamme, S. (2016). "Secularization and the Wider Gap in Values and Personal Religiosity between the Religious and Nonreligious", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 55(4):717–36.

Yeganeh, H. (2021). "A cross-national investigation into the effects of religion on gender equality", *International Journal of Sociology and Social Policy*, DOI 10.1108/IJSSP-10-2020-0479

An Essay on Religious Value Evolution in Pars Special Economic Energy Zone, Iran

Abdolrasoul Fadaei Dolat¹, Tagh Azad Armaki (Ph.D)²
Ali Baghaei Sarabi (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2023.39264.2555

Abstract:

Oil and gas industry development has been one of the most consequential drivers of social and cultural changes in the south of Iran in recent decades. Industrialization led to different kinds of socialization and brought new values to traditional societies. Religious values are one of the most important cultural values that societies have strong resistance to change. This research aims to shed light on industrial socialization's impact on religious values in Pars Special Economic Energy Zone (PSEEZ). Rapid industrial growth in PSEEZ led to pervasive intergenerational cultural changes that reshaped the religious values of these generations, bringing a shift from religious to secular views. We gathered data from a survey between residents (aged 18-65 years old). We divide the sample into three groups (who socialize before; during and after oil and gas industries development in this region). We use SPSS to compare religious values means between groups (ANOVA). The results show that religious values are less common across those below 25 years old. This group was born and socialized after industrial development in the field. The differences between the experiences of the post-industrial birth cohorts and all older cohorts produced significant differences in their religious value priorities and, respondents who grow in the industrial space have more secular beliefs. Simultaneous with value changes between generations that confirm the socialization hypothesis of Inglehart; some changes in older generations' values and some resistances of younger people's religious beliefs both emphasize on modification of Inglehart's socialization theory.

Key Concepts: *Industrial development, Socialization, Religious Values, Inglehart, Pars Special Economic Energy Zone*

¹ PhD Student, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran, rasoul.fadaee@yahoo.com

² Professor of Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), tazad@ut.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Tehran Center, Islamic Azad University, Tehran, Iran, abaghaei@riau.ac.ir

